

خلع سلاح

ضامن امنیت بورژوازی

حسین صادقی

خلع سلاح‌بوده‌ها و عدم اعتقاد به تسلط و پاسبانی اعتقادی به امر مسلح ساختن مردم ندد در تاریخ ایران سی‌نظیر است و به در تاریخ انقلابات جهان. نتایج اسباب رجسناد ما نیز اسب در عرصه ایران و هم در جهان در پیش روی داریم. تجربه تلخ حبش مشروطه، سقوط حکومت دکتر مصدق، ناکامی جنبش آزادیبخش الجزایر، ناکامی و شکست بسیاری از جنبش‌های رها شیبش و حکومت‌های مترقی از جمله حکومت آلمده، اربا ررتریس مصادیق این اقدام میباشند که نتایج مرئوب بر آن را با اندکی تعمق و تدبیر میتوان دریافت.

همین یکسال در حکومت جمهوری اسلامی سیر مسئله خلع سلاح به انداء مختلف و بارها طرح و در اجرای آن کوشش کرده است. در دست جدوروی از پیروزی قیام در حالیکه به هر روز، بل هر ساعت بسیاری بواسطه شهاجم مزدوران مسلح رژیم پهلوی بشهادت میرسدند، مردم به با بهت و وحیرت فرمان خلع سلاح عمومی را از طرف خمینی دریافت کردند و با این فرمان اولین یورش به سکر مبارزه مردم آغاز شد. کمیته‌های خلق الساعدا مبر خلع سلاح مردم را بعهده گرفتند، مساجد و گنجایا سلاحی را که مردم در مبارزه با ارتش بعنیت گرفتند بودند به یادگانه‌ها عودت دادند. اعزامات بحق نیروهای مترقی و انقلابی نسبت به این اقدام حکومت بی نتیجه ماند که هیچ، سیل دشام و نهیم و ناسرا را از طرف سنجکوی دولت وقت، آفای امرانتظام، متوجه خود ساخت. جالب است وقتی می بینیم که همزمان با اعلام خلع سلاح مردم از طرف خمینی، برای مدتی حملات و شبخونهای مزدوران رژیم ساقط شده پهلوی متوقف شد. امیرالیزم و ارتجاع میبایست به حکومت امان میداد که در خیال خود، "آرامش" را مرده کند و آراستجه اجرای طرح خلع سلاح بصور کند. انطباق کامل این طرح با مفاد امیرالیزم

میدان عمل وی را نیز گسترش داد. بیکیری "فرمان امام فرصت‌های لازم را برای حملات" شرعی "و موجه به نهادهای سازمانهای انقلابی در اختیار وی قرار داد. هجوم عنا مرشکوک و دانه بند به عصاره سازمانهای انقلابی به میان کشف اسلحه، رخصت‌های بود که امپریالیزم و ارتجاع، از آن سودر شاربزدند اما این بهره‌گیری، به همین هشایر خلقهای مبارز گرد و ترکمن و بسیاری از گروهها و انقلابیون، نسبت به این اقدام ارتجاعی و ضد مردمی و واکنش منفی در قبال آن چندان نبود که بشود میدان عمل را به آن محدود ساخت. پس تحمیل جنگ و ایجاد مقاومت مسلحانه در مردم شروع دیگری از تفهیم ضرورت خلع سلاح به قدرت حاکم توسط امپریالیزم میکرد. بهر رو، اگر این اقدام در آن مقطع نتوانست چشم عده‌ای را که تصوری باطل و خطا نسبت به قدرت حاکم و ماهیت طبقاتی وی داشتند، باز کند، طرح مجدد "خلع سلاح" توسط بنی صدر، قاعدتا "میباید موضع آنرا نسبت به ما هیت طبقاتی قدرت حاکم تغییر دهد. رژیم خمینی- بنی صدر، اکنون در رنگنایی است که خروج از آن، با توجه به ترکیب طبقاتی حکومت، چندان ساده نیست. عدم پاسخ کوئی به خواسته‌های بحق توده‌های مردم و کاهش تولید، افزایش بیکاری افزایش قیمت ارزاق عمومی، لاینحسل ماندن مسئله مسکن و... ناراضی را در مردم افزایش داده است. مردم دیگر حاضر نیستند که به وعده‌های توخالی کوش فرا دهند. تجربه یکسال وعده و وعده‌های حکومتی برایشان کافی است. مردم عمل نخواهد و دولت‌مردان بی‌عملند. رژیم خمینی- بنی صدر نیز ابرار در پاسبانست و ارتجاع روست کد بنی صدر برهماست خمینی و مثل بارزکان مهلت نخواهد. مردم اما یکسال و اندی مهلت دادند و بسد چم و جم آفایان آگاهی یافتند اند و ناراضی اند. فقدان برنامه‌های

سیاسی و اقتصادی از طرف رژیم، باین ناراضی بکن کمک میکند. ناراضی بکن وقتی افزایش یافت، وقتی شک نظریها و انحصار طلبی دست اندر کاران رژیم کلیه مجالها را از مردم سلب کرد، وقتی بیان آرمان، مستوجب چماق چاقو دارا غیر رسمی رژیم گردید و انفعال رژیم در بسط و گسترش نهادهای دموکراتیک زمینه را برای رشد و تحریک ضد انقلاب فراهم ساخت، مردم مهلت نمیدهند، روز را با زور پاسخ خواهند داد و افسدار بالقوه خود را عمل در خواهد آورد.

بنی صدر میکشد (بارزکان نیز میکشید و خمینی از استدا کوشید) که حل مشکلات را از دایره دآوری ها و ارزش‌های طبقاتی تهی سازد و آرا به سرشت تحولات انقلابی هر جا معده و مربوط به فقدان وثبات و تمرکز قدرت سازد. در اینکه سر نهجا و تحولات اجتماعی فرزندان توانا تاریخ‌اند، ابهامی نیست. ولی پرداخت با این موارد، بدون اثبات مادیت تاریخی آنها جز گریز برای پنهان کردن ضعفها نیست.

وشتی قدرت حاکم، بجای دکرکون کردن مناسبات پیشین و جایگزین ساختن نظامی نودر جهت منافع زحمتکشان، به حفظ همه نهادهای و بنیادها و روابط تولید گذشته و مرمت و بازسازی آن اقدام کند، بمرحله‌های آن، به انقلاب ارتباطی ندارد. چیزی در این تغییر نیافتگی است و مشکلات اساسی که با این ابراز ابطاق داشته‌اند و خود ندارد آنچه که هست نشان ضعف قدرت حاکم در اداره تولید و فقدان برنامه‌است کاسه کوزه ضعف خود را نیز با بد مردم شکست رژیم بارها با صراحت اعلام داشته‌است. که هدفش الباعی مالکیت نیست بلکه مالکیت مشروعه؟ را محترم میدارد چنین رژیمی نماینده منافع زحمتکشان نمیتواند باشد. چنین رژیمی، رژیم سرمایه‌داری است. مشکلات آن نیز مشکلاتی نیست که بتوان آنرا سب

مشکلات باسی اردک کونی میاسسات تولید همسک ساخت، آنچه هست اینست که رژیم نمایندگی سرمایه داری است و چنانچه هیئت حاکمه ای نمی تواند مشکلا سرمایه داری را حل نماید، از طرف دیگر اختلاف بورژوازی و خرده بورژوازی وجود کمیت قابل ملاحظه دومی که با کیفیت نسبی اولی همسک میشود، تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیری را بوجود آورده است این مراکز، همانگونه که به بارزکان فرصت بدادند اکنون بنی صدر را نیز احاطت میکند از آنکه قابل قضا را نکند، ابراز این مسئله از طرف حکومت بازرگانان و اکنون بنی صدر کویای این امر است که هر دو جنبه را به نجات خود را در تقویت قدرت مرکزی و سرکوب همه مخالفین میدانند تا با فراغ بال اهداف خود را تعقیب نمایند، بعلاوه مسئله بزرگ و قابل توجهی چون حل مسئله ملی که حق غیر قابل انکار خلفهای کرد، ترکمن، ترک، عرب و.... است، بواسطه وجود همین عناصر ناممكن در هیئت حاکمه، به اجواب مانده است و عملاً بجای پاسخگویی به مسائل خلقهای مبارز است سرکوب در پیش گرفته شده است، همجانباً فزائیم که بنی صدر ناس خود را در هر دو جنبه مایه نماید، برای حل؟ مشکلات اقتصادی باید بین طبقاتی و ترافیکاد، سوچیدی؟ اثر به جانب اروپا و ژاپن روی می آورد اما مشکل اینجاست که سرمایه اروپا و ژاپن ما ساقای از زنجیر سرمایه داری جهانست که حلقه دیگری است، امریکا است، امریکا نیز دست حریف را جوابده است، اووایا "اروپا و ژاپن حاضر نیستند، بدون حل مسئله کروکاسه؟ امریکائی لانه جاسوسی با ایسرائیوار مذاکرات اقتصادی کردند، اما بنی صدر رئیس جمهور ۲۵ میلیون است و بخت خود را با زمانه، کمیسیون تحقیق را بسا توانی امام فرا میخواند، در چند مصاحبه و بطق قبل از ورود هیئت رزمیه را برای بی اعتبار کردن عمل دانشجویان پیرو خط امام آماده میکند، ولی حریف یعنی خرده بورژوازی با کم و بیش تردید دولتی بکار چه دست رده سینه بنی صدر میزند، کمیسیون تحقیق با کام، ایران را ترک میکند اما قضیه افسانه سازشکاران با جدیت از طرف خرده بورژوازی ادامه

میباشد، مسئله بر سر بود و نبود یکسای حرفان است، بنی صدرا گرباری را برد خرده بورژوازی را با تسخیر سرکرو و نسق اقتصاد و وابسته در این تکنای هولناک فکری و یکاری، لای مکنه خواهد گذاشت و حاکمان "مستضعف" رفیع را از دستش خواهد ربود، خرده بورژوازی اینرا دریافت و با همه نیرو به حمایت از دانشجو بیان پیرو خط امام رفت و کمیسیون تحقیق هم رفت، امام جمعه تهران نیز در نماز جمعه ۱۲/۲۴ تلویحا "به بنی صدر گفت که" ما قطعات یدکی نمیخواهیم، ما اقتصاد نمیخواهیم" بنی صدرا کام ماند و حداقل در این مرحله بازی را باخت.

بهر حال در برابر همه این مسائل رژیم کنونی مستأصل است عدم انسجام و ناهمگونی در ترکیب طبقاتی قدرت حاکم قدرت برنا مهریزی و اجراء را از دولت مردان سلب کرده است، تنها راه باقیمانده سرکوب است، امری که اجراء هیئت حاکم با نیت وضع بر سر آن وحدت دارند، اما سرکوب مقاومت میافزیند، مردم دیگر بغول بارزکان "بررو" نه اند، وقتی ارتش دست نخورده آریا مهری با ژنرال های تعلیم دیده امریکا محلات مردم را با توب ویران کند و وقتی پاسداران، نظرها آرام مردم را با اسلحه پراکنده سازند، مردم "بررو" نیز مقابل به مثل خواهند کرد، و این برای رژیم خمینی - بنی صدر خطری است به بزرگی یک انقلاب.

بعلاوه اقتدار مرفه جامعه، برای حصول روابط گذشته "امنیت" میخواهند اینرا رای سه میلیونی احمد مدنی میکویید، "امنیت" حداقل سه میلیون رای ثابت دارد که با زمانی که اسلحه در دست زحمتکشان و نیروهای انقلابی است، این رای نمیتواند یک کودتای نظامی باقی میماند، پس باید آنرا از آن خود ساخت، اینجاست که بنی صدر مسئله خلع سلاح را یکبار دیگر مطرح میکند و یکبار به است مسلمان حزب جمهوری اسلامی به آن لبیک میکوبند و راهیمائی ها آغاز میشود، اما در اینکه آقای بنی صدر جقدر در این میان برنده خواهد شد، امری است که به عوامل بسیار وابسته است، قدر مسلم اینست که بازی ساده ای نیست، مردم تا زمانیکه ارتش آریا مهری بعنوان وسیله سرکوب

در خدمت سرمایه است، سلاح خود را حفظ خواهند کرد، و این وظیفه آقای بنی صدر است که با زمان امنیت را برای کشف اسلحه و سعترو و سعترا زد و خانه گردیها را آغاز کند، و این برای حکومت بنی صدر آینده خویی را تصویر نمیکند. ●

اطلاعیه

آن، با مستلزم این بود که ما نیروی بسیاری برای آن بگذاریم (وینا برای این از سایر وظایف میرم خود را مانع) وینا منجر به آن میشد که در موارد مکرر و روبه از دبا دبا نواقض نظرات خود و جنبه مواجه شویم و عملاً "در حبه ای با شیم که مشی کلی آن از مسیر قابل قبول برای ما حرکت میکند، مضاف بر آنکه تغییر این شرایط را در آینده نزدیک نیز محتمل نمی دیدیم، لهذا تصمیم به خروج سازمان خود از حبه دموکراتیک گرفتیم و این تصمیم را در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۸ رسماً با اطلاع حبه رساندیم.

خروج ما نه بمنزله نفی ضرورت وجود حبه دموکراتیک ملی و نه نفی ضرورت مبارزه دموکراتیک است، در مورد اول ما از مواضع اصولی و درست حبه دموکراتیک در آینده دفاع خواهیم کرد و همکاری خود را نه از درون بلکه از بیرون آن در مواردی که درست و اصولی ارزیابی کنیم ادامه خواهیم داد، و اما در مورد دوم، یعنی ضرورت ادامه مبارزه دموکراتیک، ما با همان شد گذشته به آن اعتقاد داریم، همان روابط و ضوابط را برای آن قائلیم و ادای سهم خود را از مجاری دیگر دنبال خواهیم کرد.

● ۵۸/۱۲/۲۷

هفته نامه

رهائی

نشریه

سازمان وحدت
کمونستی